

## درآمدی بر استاندارد سازی منابع انسانی در آموزش و پرورش

حسین خنیفر

مدیرکل دفتر بهبود کیفیت و راهبردی استانداردها

وزارت آموزش و پرورش

### چکیده

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۳/۳/۵ - تاریخ پذیرش: ۸۳/۱۲/۳)

هدف این مقاله جستارگشایی در خصوص استانداردسازی منابع انسانی در آموزش و پرورش است. امروزه حرکت کیفی به سمت آموزش‌های بهینه و کارآمد در نظام‌های تعلیم و تربیت امری بدیهی و ضروری به شمار می‌رود، زیرا یکی از عوامل مهم پیشرفت و توسعه هر جامعه‌ای اساساً منابع و نیروی انسانی و چگونگی تربیت آنهاست. نوشتار حاضر، با نگاهی به آموزش و پرورش به‌عنوان نظام اساسی در تربیت منابع انسانی، سعی در طرح مسئله دارد، زیرا ما در شرایطی هستیم که سیاستگذاران و رهبران آموزشی دغدغه اطمینان از آموزش‌های استاندارد را دارند و این اطمینان زمانی میسر است که معلم و منابع انسانی استاندارد شوند. لذا در این مقاله سعی شده است با استفاده از معتبرترین منابع و سایت‌ها در مورد مفهوم استاندارد و سابقه تاریخی آن در جهان و ایران بحث شود و سپس استانداردهای آموزشی و اصول هفت‌گانه استاندارد مورد مطالعه قرار گیرد. این بحث با تبیین نهضت استانداردهای آموزشی و شرایط اقلیمی دنبال می‌شود و به خوشه‌های فرهنگی در سطح آمایش سرزمین اشاره می‌گردد. در ادامه بحث به پنج مسئله در خصوص ضرورت آموزش مبتنی بر استاندارد در کشور پرداخته می‌شود و سپس صلاحیت‌های حرفه‌ای و چهار مدخل عمده در مقوله استانداردسازی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند. سرانجام به هشت مدل مفهومی به عنوان درآمدی جهت ادامه بحث در آینده اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: استانداردها، منابع انسانی، آموزش و پرورش، شرایط احراز صلاحیت

## مقدمه

یکی از عوامل پیشرفت و توسعه هر جامعه‌ای اساساً منابع انسانی است و چگونگی استفاده بهینه از آن نقش مضاعف در توسعه نظام اجتماعی خواهد داشت. از طرفی، یکی از شاخص‌های مهم در توسعه جامعه داشتن نظام رشد یافته و ارتقاء کیفی منابع انسانی است که با افزایش بهره‌وری و استانداردسازی آنها، منابع تولیدی آن نیز در ابعاد مختلف دوچندان می‌شود.

با توجه به اینکه آموزش و پرورش به‌عنوان نظامی که نقش اساسی در تربیت منابع انسانی برای سایر سازمان‌های جامعه دارد و امر خطیر تعلیم و تربیت را به دوش می‌کشد و از طرفی نیز نیروی انسانی آن که جزو پیکره عظیم نظام آموزشی کشور محسوب می‌شود، ضرورت پرداختن به بحث استانداردسازی منابع انسانی را دوچندان می‌سازد. زیرا امروزه داشتن منابع انسانی کیفی با توان بهره‌وری بالا، برخوردار از اطلاعات و روش‌های جدید و به روز علمی، مهارت‌های فنی - انسانی، ادراکی، صلاحیت‌های حرفه‌ای، و از همه مهم‌تر شاخص‌های استاندارد جایگاه ملت‌ها را در سلسله مراتب تقسیمات جهانی مشخص می‌سازد.

امروزه عقیده بر این است که برای به حداکثر رساندن فرصت‌های آموزش و یادگیری در فرآیند تعلیم و تربیت برای تمام فراگیران، باید سیاستگذاران و رهبران آموزشی اطمینان یابند که معلمان، آموزش‌های مبتنی بر استاندارد را اجرا می‌کنند (کاستیلو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲، ص ۱) و این مهم زمانی میسر است که معلم و منابع انسانی استاندارد شوند. امروزه با مقایسه عملکرد کشورهای مختلف در پرداختن به مسئله استاندارد و استاندارد کردن و ارزیابی نتایج به دست آمده و همچنین ارزیابی جایگاه کشور ما در این حرکت روبه رشد جهانی، پریراه نخواهد بود اگر گفته شود ما نیز به بازنگری جدی‌تر و نگاهی عمیق‌تر در برخورد با این مقوله نیازمندیم و این مهم در بحث منابع انسانی و بویژه در حوزه تعلیم و تربیت از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است.

از جهتی، تحقیقات نشان می‌دهد که بعضی از کشورها مانند ژاپن و آلمان که ققنوس وار از خاکستر و آتش جنگ جهانی دوباره برخاستند و راه ترقی و رشد و توسعه را در پیش گرفتند، کارآمدی این حرکت دوباره را مدیون رعایت استانداردهای خاص در حیطه‌های دانش، عملکرد، رفتار منابع انسانی بویژه در حوزه آموزش و پرورش هستند و این مسئله را دهه‌های قبل به خوبی تجربه کرده و از سر گذرانده‌اند تا جایی که در حال حاضر نیز دولت فدرال آلمان (فصلنامه از دیگران، ۱۳۸۱؛ ص ۵۷) در نظر دارد در چارچوب فعالیت گسترده آموزشی، ایالات این کشور را به پذیرش استانداردی سراسری برای تعلیم و تربیت وادار کند (در آلمان سیاست آموزشی واحدی وجود ندارد و نظام آموزشی به صورت فدرال در ایالات شانزده گانه آلمان به مورد اجرا در می‌آید) (فصلنامه از دیگران، ۱۳۸۱، ص ۵۷).

اولگار و بولمان، وزیر آموزش آلمان، در گزارشی که اخیراً تهیه کرده است از این نکته جانبداری می‌کند که سیاست آموزشی در سطح کشور به صورت یکپارچه اعمال گردد. وی با اجرای این برنامه تحت عنوان آینده آموزش قصد دارد «آلمان را تا ده سال دیگر از حیث آموزش و پرورش در ردیف پنج کشور اول جهان» قرار دهد.

دولت فدرال با اختصاص بودجه‌ای چهار میلیارد یورویی برای اجرای این طرح در نظر دارد تا به صورت مقدماتی بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ میلادی سالانه بین ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۰ مدرسه را مبتنی بر استانداردها احداث کند و مدارس موجود خود را استاندارد سازد. جالب اینکه قسمت اعظم این مدارس برای تدریس به شاگردان کلاس‌های پنجم تا دهم در نظر گرفته شده است. با این همه، اجرای این طرح در صورتی میسر است که نظام آموزشی در سر تا سر کشور یکدست باشد. تاکنون ایالات آلمان در مورد این طرح واکنش نشان نداده‌اند ولی مسلم است که همه اتفاق نظر دارند که یافتن راه حل و فائق آمدن بر این بحران آموزشی ضروری است (فصلنامه از دیگران، ۱۳۸۱؛ ص ۵۷).

## مفهوم استاندارد

استاندارد کردن پدیده جدیدی نیست و از دیرزمان در زندگی بشر وجود داشته

است. استاندارد نیز مانند بسیاری از پدیده‌های طبیعی، شناخت و برداشتی است که انسان از محیط پیرامون خود دارد. این امر در ابتدا به صورت ناخودآگاه تحقق یافته است. برای مثال، تاریخ پیدایش دستگاه شمارش دهدهی که هم‌اکنون نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد به گذشته‌ای بسیار دور باز می‌گردد، و در واقع الگویی از تعداد انگشتان دو دست انسان است؛ همین گونه است استاندارد کردن تقویم و تعداد روزهای ماه در سال رومی که توسط ژولیوس سزار در ۴۶ سال قبل از میلاد مسیح انجام شده است (یگانه، ۱۳۷۹؛ ص ۱۴).

استاندارد حاصل کوششی خاص به منظور تعیین ضوابط یک شغل یا کار، فعالیت و کالا است که از تصویب مراجع ذیصلاح گذشته باشد و عبارت از تسهیل فعالیت‌ها و تنظیم شغل، کار، فعالیت، و عملکرد در بهترین شرایط است.

استاندارد کردن (یعنی سازش در برابر ناسازگاری قرار دادن و برای هماهنگی ارزش بیشتر قائل شدن) را در قالب مفهومی کلی می‌توان برقراری ضوابط و قواعد صحیح برای یکنواخت کردن انواع مشابه و یکی کردن مشخصات در هر روش و عملی که متضمن منافع اجتماعی، فنی، و اقتصادی باشد توصیف کرد.

استاندارد در معنای اعم خود مترادف با نظم است هر استاندارد نتیجه کوشش خاصی است که برای یکسان و منظم کردن اجزاء در زمینه‌ای معین به عمل آمده و به تصویب مقام صالحی رسیده باشد.

استاندارد کردن عبارت است از روال تنظیم و اعمال قاعده‌هایی به منظور ایجاد نظم با در نظر گرفتن شرایط علمی و نیازمندی‌های ایمنی در زمینه کوششی معین برای منفعت گروهی که ذینفع یا ذی‌علاقه‌اند و همکاری همه آنها به منظور پیشبرد اهداف اقتصادی و اجتماعی و خدماتی از لحاظ نفع عمومی بهتر و جامع‌تر.

این رویه مبتنی بر نتایج استوار علوم، فنون، و تجربه است و نه تنها پایه گسترش کنونی بلکه مبنای تحول آینده را نیز تعیین می‌کند و باید با پیشرفت زمان همگام باشد (رونق، ۱۳۸۰، ص ۶۳).

### سابقه تاریخی واژه استاندارد

همان طوری که اشاره شد، واژه استاندارد از زبان انگلیسی گرفته شده است. در انگلیسی میانه (انگلیسی متداول از ۱۱۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی) واژه استاندارد به معنای پرچم یا علم و کتلی بود که لشگریان پیرامون آن گرد می آمدند. اگر علم در میان لشگری برافراشته و ایستاده بود، نشان پیروزمندی و ایستادگی آن لشگر بود و هنگامی که سرنگون می شد، به منزله آن بود که لشگر شکست خورده است. واژه استاندارد (انگلیسی میانه) از زبان فرانسوی باستانی (فرانسوی متداول در سده های ۶ تا ۱۳ میلادی) گرفته شده و از نظر معنی تحت تأثیر واژه انگلیسی Stand یعنی "ایستادن" بوده است. در زبان فرانسوی باستانی نیز واژه استاندارد به همان معنی پرچم بوده و از ترکیب ریشه لاتینی Stand یعنی گستردن و برافراشتن است.

این پسوند در اصل از زبان آلمانی باستانی (آلمانی متداول از ۸۰۰ تا ۱۱۰۰ میلادی) به زبان های فرانسوی باستانی و انگلیسی میانه رسیده و برای ساختن اسم به کار می رفته است. کلمه استاندارد در زبان فرانسوی کنونی به صورت استاندارد و به همان معنی علم، بیرق، و پرچم به کار می رود، ولی تحول معنایی که در زبان انگلیسی برای کلمه استاندارد پدید آمده در زبان فرانسوی صورت نگرفته است. در زبان فرانسوی کنونی برای استاندارد به معنای امروزی آن واژه نرم<sup>۱</sup> به کار می رود و همین کلمه در زبان آلمانی امروز نیز وارد شده است.

### سیر تحول واژه استاندارد

واژه استاندارد در زبان انگلیسی معانی مختلفی به خود گرفته است. معنی اصلی و باستانی آن به معنی پرچم هنوز وجود دارد و نیز به معانی دیگری هم به کار می رود که در زبان فارسی وارد نشده است. معانی مهم این واژه انگلیسی که مورد استفاده قرار گرفته از این قرار است:

- مقیاسی که برای اندازه‌گیری یک واحد کاری برای انجام خدمات اداری و در صنعت برای آزمایش وزنه‌ها، اندازه‌ها، و پیمانها به کار می‌رود.

- معنای دیگر آن مقیاسی است که با آن کیفیت‌های خوبی و مرغوبی یا میزان امتیازهای لازم برای منظور خاصی نشان داده می‌شود. در واقع، وقتی می‌گویند استاندارد پذیرش دانشجویان، داشتن مثلاً حداقل معدل دوازده است یعنی پذیرفته شدن یا رد شدن بر مبنای مقایسهٔ حداقل معدل دوازده قرار گرفته است. یا وقتی می‌گویند استاندارد کل قد دانشجویان دانشگاه پلیس ۱۷۰ سانتی‌متر است، به معنی آن است که: میزان امتیاز لازم برای داوطلبان دانشگاه پلیس را بدین طریق تعیین کرده‌اند. این مقیاس نیز می‌تواند موردی باشد که به عنوان نمونه قابل تقلید شناخته شده است؛ مانند شهر استاندارد، داستان کوتاه استاندارد، فیلم استاندارد یا نمایشنامهٔ استاندارد؛ یعنی شهر، داستان کوتاه، فیلم، یا نمایشنامه‌ای که دارای شایستگی‌های معین و پذیرفته شده‌ای است (رونق، ۱۳۸۰، ص ۶۴-۶۵).

### تاریخچهٔ استاندارد در ایران

نخستین آثار باقیمانده از استاندارد در ایران مربوط به دوران حکومت داریوش هخامنشی است که برای اولین بار در تاریخ، وزنه‌هایی با وزن ثابت ساخته و بر روی آنها وزن هر یک به سه زبان نوشته شده بود. این وزنه‌ها در سراسر امپراتوری عظیم هخامنشی توزیع گردید تا شهربان‌ها بتوانند وزنه‌های تجاری را از نظر دقت کنترل کنند و مانع از کم‌فروشی شوند. در دوران اسلام نیز کنترل اوزان و مقیاس‌ها بر عهدهٔ محتسبان و دیوان محاسب و در بعضی موارد به عهدهٔ قضات و دیوان قضایی (دادگستری) و حتی گاهی به عهدهٔ شرطه (شهربانی) بوده است.

پیدایش دستگاه متریک در فرانسه و گسترش آن در سایر کشورهای جهان، در کشور ما نیز انعکاس مطلوبی داشت، بدین معنی که در کتاب‌های حساب و جغرافیا و علمی که بعد از پیدایش این دستگاه نوشته شد، اشاراتی به آن مشاهده می‌گردد، از آن جمله در کتاب اصول علم جغرافی نوشته عبدالغفار منجم که در سال ۱۲۹۸ هجری قمری

نوشته شده پیوسته از کیلومتر و کیلوگرم و میر یا متر و میلی متر سخن به میان آمده است. همچنین در کتاب اصول علم حساب تألیف علیخان که در سال ۱۳۱۷ هجری قمری در بمبئی به چاپ رسیده، فصلی به مقیاس‌های متریک اختصاص دارد.

این قانون طی سال‌های بعد نسبتاً به خوبی اجرا می‌گردید و از این رهگذر در مرغوبیت کالاهای صادراتی مراقبت کافی به عمل می‌آمد.

از جهتی نیز استانداردسازی قبل از اینکه در منابع انسانی طرح شود در صنعت تولیدات مطرح بود و استانداردهای تولیدی در غرب از قرن نوزدهم نضج گرفت و از بحث صادرات و مدیریت کلان و تجارت جهانی شروع شده است.

توجه به موضوع استاندارد در ایران در سال ۱۳۰۴ با تصویب قانون اوزان و مقیاس‌ها مطرح شد. در سال ۱۳۳۲ به خاطر توجه به ویژگی کالاها و تولیدات به استانداردها روی آوردند تا اینکه اداره کیفیت کالاهای صادراتی و وارداتی ایجاد شد و در سال ۱۳۳۹، قانون تأسیس مؤسسه استاندارد ایران شکل گرفت و از استانداردهای مطرح شده تا سال ۱۳۴۳ به صورت استانداردهای آزمایشی استفاده گردید. در سال ۱۳۴۴ اساسنامه مؤسسه تحقیقات صنعتی شکل گرفت و پس از تلاش در جهت نهادینه‌سازی فرهنگ استاندارد و استانداردسازی اولین چیزی که استاندارد شد کالاهای صادراتی کشاورزی بود.

در سال ۱۳۴۵، علامت استاندارد برای اولین بار شکل گرفت و دو کالا، یکی کاشی و دیگری بیسکویت نشان استاندارد دریافت می‌کردند. از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ بحث‌های استانداردسازی تداوم یافت، ولی به لحاظ رونق صنایع سنگین و خودروسازی مقداری متمایز است.

در پایان سال ۱۳۶۸، بعد از جنگ تحمیلی که دوران پیشرفت صنعت و مونتاز بود، تحولی مشاهده نشد، تا اینکه در سال ۱۳۷۱، مؤسسه استاندارد تحقیقات صنعتی ایران توسط مجلس شورای اسلامی تصویب و تأسیس شد (خنیفر، ۱۳۸۱، ص ۶).

## استانداردهای آموزشی

همان‌گونه که اشاره شد، برای واژه استاندارد، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. فرهنگ آکسفورد (۱۹۹۷، ص ۱۲۵) می‌نویسد: استاندارد چیزی است که برای آزمایش سنجش وزن، طول، کیفیت، و مانند آن به کار می‌رود؛ سطح مورد نظر و مقبول یک چیز از حیث کیفیت، نشان حقوقی مشخص، عیار قانونی، و... همچنین استاندارد را عبارت از ضابطه‌ای برای کنترل و نیاز اولیه برای کنترل دانسته‌اند.

برخی محققان که در سال‌های اخیر در زمینه استاندارد منابع انسانی مطالعه می‌کنند مقوله استاندارد سازی را ایجاد هماهنگی معقول در فرآیند یاددهی - یادگیری متناسب با زمان و تحولات توسط (معلم) به فراگیران برای ایجاد جامعه‌ای شایسته عنوان کرده‌اند که البته در این راستا استاندارد از منابع انسانی یعنی معلمان و مدیران شروع و به استاندارد فراگیران ختم می‌شود.

صرف نظر از تعریف لغوی، هر نظام آموزشی اهداف خاصی را دنبال و برای دستیابی به این اهداف، راهبردهایی را تدوین می‌کند تا به عنوان راهنمای عمل برای مدیران مناطق، مدارس، و معلمان مورد استفاده قرار گیرد و در عین حال بتواند بر مبنای آن استانداردها یا (راهبردها) از وضعیت موجود در نظام آموزشی ارزشیابی به عمل آورند تا در کاربست و بازخورد به کاستی‌ها و توانمندی‌های آنها توجه لازم مبذول شود. استانداردهای آموزشی موازینی هستند که به طور صریح در خصوص ابعاد مختلف نظام آموزشی، به وضوح و روشنی تعریف شده‌اند. اگرچه استانداردهای آموزشی را می‌توان از زوایا و ابعاد مختلف مورد توجه قرار داد، در این گزارش، استانداردها در ابعاد مالی، کالبدی، نیروی انسانی تجهیزات و تسهیلات آموزشی در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، و متوسطه مدنظر قرار گرفته است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۷۹، ص ۷).

امروزه ضرورت حضور پیوسته و مداوم استاندارد در عرصه‌های مختلف زندگی بشر به طور اعم و در حیطه آموزش و پرورش به طور اخص احساس می‌گردد. از طرفی دنیای امروز با فرهنگی مواجه است که بیشتر نگرانی والدین در خصوص مدارس



فرزندانشان را مسئله «کیفیت آموزش»<sup>۱</sup> تشکیل می‌دهد، به طوری که این امر حتی مسائل مالی را تحت الشعاع خود قرار داده است. به عبارت دیگر، اولیاء دانش‌آموزان بیش و پیش از آنکه در ارتباط با شهریه و مواردی از این قبیل صحبت کنند، نگران کیفیت آموزش، کیفی بودن آموزش دهندگان، و استانداردهای کیفی آموزشی هستند. البته در کشورهای در حال توسعه این امر، به جهت پایین بودن درآمد ملی، نمود کمتری دارد. از طرفی نیز استاندارد و استاندارد کردن در روند تکاملی خود همگام با تحولات علمی و صنعتی دچار تحولات و اصلاحات بسیاری شده است. روند رو به رشد این فرآیند آن‌چنان‌که امروزه شاهد آن هستیم به گونه‌ای است که در کنار استانداردهای معمول و متداول، نظام‌های مدیریت در زمینه‌های مختلف نیز تحت پوشش این فرآیند قرار گرفته است و مسلماً در آینده‌ای نه‌چندان دور مباحث عمیق‌تر و جدیدتری نیز به این مجموعه افزوده خواهد شد. به علاوه، در مقوله تعلیم و تربیت، این مسئله یکی از بحث‌انگیزترین حوزه‌هاست، زیرا بر لزوم و ضرورت آن، در خصوص عناصر، ابعاد و کمیت و کیفیت آن اتفاق نظر وجود دارد.

### اصول استاندارد

استاندارد مفهومی است که می‌تواند نشانگر انسجام و انضباط فعالیت‌های فکری، عملی، و فنی به عنوان فرایند فرهنگی جامعه باشد و، بدین ترتیب، استاندارد کردن تنظیم و به نظم کشیدن بر اصول زیر استوار است:

اصل اول. استاندارد کردن عمل ساده‌سازی است که در نتیجه تلاش دسته‌جمعی و آگاهانه اعضای جامعه به وجود آمده و مستلزم کاهش تعداد بسیاری از مسائل است. این فرآیند نه تنها موجب رفع پیچیدگی‌های کنونی می‌گردد، بلکه از بروز پیچیدگی‌های آینده نیز جلوگیری می‌کند. لازم به ذکر است که ساده کردن فقط با همکاری متقابل همه افراد ذیربط و ذینفع به موفقیت می‌انجامد. لذا تهیه استانداردها باید مبتنی بر هم‌رایی و

موافقت عمومی باشد و در اجرای آن نیز همه افراد خود را ملزم بدانند.

اصل دوم. استاندارد کردن فعالیتی اجتماعی و اقتصادی است که باید با همکاری همه افراد ذی‌نفع و توافق عمومی صورت می‌گیرد (گرچه در مقوله آموزش و ابعاد مختلف منابع انسانی که با رفتار - عملکرد - دانش مرتبط است، کار پیچیده‌تر می‌شود). اصل سوم. نشر استاندارد به خودی خود ارزشی ندارد، مگر این که به اجرا در آید و این امر نیاز به برنامه‌ریزی‌های مناسب و فداکاری عده‌ای برای دستیابی به منافع عمومی دارد.

اصل چهارم. استاندارد کردن از طریق تهیه یک استاندارد، انتخاب، و سپس تثبیت آنچه انتخاب شده انجام می‌گیرد، اما دارای انعطاف نیز هست. یعنی به تناسب نیازها و تغییرات و تحولات مورد بازنگری و اصلاح قرار می‌گیرد.

اصل پنجم. استانداردها باید در فواصل زمانی معین مورد بازنگری و در صورت لزوم مورد تجدیدنظر قرار گیرند. فاصله میان تجدیدنظرها بر حسب موارد خاص می‌تواند متغیر باشد، اما این فاصله نباید خیلی کوتاه باشد؛ زیرا در این صورت؛ استاندارد، قابل اتکا و تثبیت شده قلمداد نمی‌گردد. از طرفی دیگر، استاندارد نمی‌تواند برای مدت طولانی نیز بدون تغییر بماند. معمولاً اکثر کشورها دوره‌ای پنج ساله را برای بازنگری در نظر می‌گیرند.

اصل ششم. هنگامی که در یک استاندارد، کارکرد یا ویژگی‌های رفتاری و عملکردی یک فعالیت تشریح می‌گردد باید جهت تطبیق آن با ویژگی‌های اشاره شده، روش‌های آزمون متناسب با آن نیز تشریح گردد یا به استانداردهای دیگری که این روش‌ها در آنها موجود است ارجاع داده شود. به بیان دیگر، می‌بایست ابزار مناسب سنجش آن استاندارد نیز تهیه گردد.

اصل هفتم. لزوم اجرای اجباری استانداردهای ملی باید به دقت مورد توجه قرار گیرد. البته ضرورت این امر بستگی به ماهیت استاندارد، درجه اعتبار، قوانین و شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد (یگانه، ۱۳۷۹، ص ۲۵).

## نهضت استانداردهای آموزشی

امروزه با عنایت به آثار و پژوهش‌های موجود نزدیک به یک دهه است که از شروع نهضت پایه‌گذاری استانداردها در آموزش می‌گذرد و همواره این سؤال مطرح بوده است که: "آیا مجموعه‌ای از استانداردها وجود دارد که منجر به بهبود قابل توجهی در عملکرد معلمان شود، علاوه بر آن، خلاقیت و ابتکار آنان را نیز تقویت کند؟" (استرانگ، ۲۰۰۱، ص ۱).

از طرفی، گرچه تعلیم و تربیت یکی از بحث‌انگیزترین حوزه‌های بشری بوده و پیوسته بر ضرورت و اهمیت آن توافق همگانی وجود داشته است، به دلیل عدم اتفاق نظر در خصوص عناصر، ابعاد و کمیت و کیفیت آن در دهه‌های اخیر، روش‌های مختلفی در این زمینه دنبال شده است؛ زیرا ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی در کشورهای مختلف جهان گوناگون است و هر جامعه‌ای دارای بافت و زمینه متفاوت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی است. از این رو، برداشت درباره‌ی آرمان‌های آموزشی، یعنی آنچه باید باشد، متفاوت و گاه متعارض است. حال با توجه به این گونه‌گونی‌ها، آیا می‌توان از استانداردها یا معیارهای مطلوب سخن گفت؟ (فتحی و اجارگاه، ۱۳۷۹، ص ۷).

پرسش‌های فراوان دیگری نیز با توجه به "عصر چهار - انفجار" فعلی، یعنی انفجار دانش، انفجار جمعیت، انفجار اطلاعات، و انفجار انتظار (پستمن، ۱۳۷۶، ص ۴۲) و دنیای پنج مقوله‌ای (سرعت، قدرت، ثروت، فرصت، و اطلاعات) مطرح است. لذا یافتن پاسخ، برای چنین مسئله‌ای بسیار دشوار است، زیرا سخن گفتن از کالای استاندارد کار راحت‌تری نسبت به انسان استاندارد است. امروزه، مقوله استاندارد برای تولیدکنندگان، بازرگانان، صنعتگران، و متخصصان فن‌آوری، پیچیده‌گرچه قابل اندازه‌گیری است اما در امر تعلیم و تربیت که سروکار با انسان است موضوع پیچیده‌تر می‌شود. به همین دلیل، برای تعلیم و تربیت به طور اعم و مدرسه به طور اخص استاندارد پذیرفته شده جهانی تعریف نشده و کسی هم ادعای وصول یا حصول به چنین امری را تاکنون نداشته است و مهم‌تر آنکه هر کشوری با توجه به اقلیم و شرایط

فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، و جایگاه آن در پهنه این کره خاکی، استانداردی معین را تدوین و دنبال کرده است، و به همین سبب، در حال حاضر، در بسیاری از کشورهای جهان، کمیته‌های ملی ویژه‌ای تشکیل شده و استانداردها را برای همان کشور تدوین و تصریح می‌کنند.

### شرایط اقلیمی در امر استانداردسازی

استانداردها مفاهیمی مطلق و غیرقابل تغییر نیستند. یعنی نمی‌توان نگاه (پارادایمی)<sup>۱</sup> به آنها داشت، بلکه قابل اقتباس یا تقلید و حتی بومی شدن و بومی سازی و یا تولید و تعریف هستند. گاهی نیز بایستی آنها را با عنایت به شرایط ویژه هر کشور مورد دستکاری و تعدیل قرار داد. لذا عقیده بر این است که بایستی معیارهای نسبتاً پذیرفته شده‌ای را مورد توجه قرار داد و بهترین استانداردها را با توجه به شرایط و ویژگی‌های خاص هر کشور و گاهی هر منطقه اعمال کرد. یعنی گاهی حتی نمی‌توان نگاه کشوری به استانداردها داشت. به همین دلیل، برخی محققان معتقدند که نگاه منطقه‌ای لازم است. به طور مثال، در جلسات تخصصی استانداردسازی منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش در حوزه معاونت برنامه‌ریزی و منابع انسانی با عنایت به معیارهایی همچون، خوشه‌های فرهنگی، برخورداری و محرومیت، فاصله جغرافیایی و شرایط اقلیمی تقسیم‌بندی زیر به صورت ده منطقه پیشنهاد شده است.

منطقه ۱ استان‌های: آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل؛

منطقه ۲ استان‌های: گیلان، مازندران و گلستان؛

منطقه ۳ استان‌های: زنجان، قزوین و همدان؛

منطقه ۴ استان: شهر تهران؛

منطقه ۵ استان‌های: کرمان، سیستان و بلوچستان و خراسان؛

منطقه ۶ استان‌های: اصفهان، چهارمحال و بختیاری و یزد؛

۱. پارادایم (Paradime) یعنی وحی مُنزل، نص صریح، امر لایتنغیر.

منطقه ۷ استان‌های: خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد و لرستان؛

منطقه ۸ استان‌های: کردستان، ایلام و کرمانشاه؛

منطقه ۹ استان‌های: قم، مرکزی، سمنان و شهرستانهای تهران؛

منطقه ۱۰ استان‌های: فارس، هرمزگان و بوشهر.<sup>۱</sup>

در آلمان نیز شاهد چنین حرکتی هستیم که سلول‌های ریزتری از نظام آموزشی و پرورشی را در بر می‌گیرد و حتی بهترین استانداردها را با توجه به شرایط خاص هر مدرسه تعریف می‌کند. لذا در کنفرانس وزرای فرهنگ ایالتی کشور آلمان متحد<sup>۲</sup> تصریح شد که باید به طور مرتب طرح‌هایی برای اجرای اصلاحات آموزشی پیگیری شود و در حال حاضر وزیران آموزشی به رغم وابستگی‌های حزبی و رقابت‌های خود اعلام آمادگی کرده‌اند تا مجموعه‌ای از طرح‌های اصلاحی را به مورد اجرا بگذارند.

به موجب این طرح‌ها سطح معلومات در مدارس به طور منظم مورد آزمایش قرار خواهد گرفت و مدارس ایالات مختلف با یکدیگر مقایسه خواهند شد. همچنین قرار است که «استاندارد واحدی» برای نظام‌های مختلف درسی (دبستان، دوره‌های پنج ساله و شش ساله و ۹ ساله دبیرستان) در نظر گرفته شود. در این کنفرانس ابراز امیدواری شده است که از لحاظ محتوای دروس، به خصوص در رشته‌های ریاضیات، انگلیسی و آلمانی نیز شیوه درسی واحدی اتخاذ شود (فصلنامه از دیگران، ۱۳۸۱، ص ۹).

### ضرورت آموزش مبتنی بر استاندارد

ضرورت آموزش مبتنی بر استانداردها، نشأت گرفته از این موضوع است که در فرآیند استانداردسازی، اهداف روشن برای یادگیری ایجاد می‌گردد و از آموزش کیفی

---

۱. این تقسیم‌بندی به صورت پیشنهادی است و طی ۲ ماه جلسات تخصصی کارشناسان دفتر بهبود کیفیت و راهبرد استاندارد در شهریور ۱۳۸۱ در کنار سایر مباحث ساختاری و محتوایی و زمینه‌ای استانداردها (Content-Context- costructure-Standard) مطرح شده است.

۲. این کنفرانس در مرکز هماهنگی سیاست‌های آموزشی وزیران فرهنگ ایالتی پایتخت آلمان برگزار می‌شود.

دانش‌آموزان اطمینان حاصل می‌شود. هم معلمان و هم دانش‌آموزان، نمی‌توانند بدون بصیرت و بینش روشن از آنچه دانش‌آموزان باید بدانند و قادر به انجام آن باشند، از اثربخشی لازم برخوردار گردند. علاوه بر آن، در آنها باید این توانایی وجود داشته باشد که بصیرت و بینش را در قالب استانداردهای مشخص شده تبدیل به عمل کنند تا منجر به کار کیفی شود (کاستیلو و دیگران، ۲۰۰۲، ص ۲).

با مروری گذرا بر منابع اینترنتی به خوبی می‌توان دریافت که نهضت استانداردسازی آموزشی به حرکت در آمده است و همان‌طوری که اشاره شد، به ویژه در حوزه ارزیابی ویژگی‌ها، مشخصات، مهارت‌ها و استانداردهای معلمان در سراسر جهان مورد استقبال قرار گرفته و سازمانها و نهادهای مختلفی، چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی، درگیر طراحی تست‌های استاندارد و اجرای آنها در قالب نظام ارزیابی عملکرد معلمان هستند.

### مسئله اول

در متون علمی که به زبان فارسی منتشر شده است، در خصوص استانداردها به طور عام، استانداردهای آموزشی به طور خاص و استانداردهای معلمان به طور اخص، مطالب قابل توجه و قابل استنادی وجود ندارد که دست اندرکاران مدیریت آموزشی بتوانند از آن استفاده کنند.

### مسئله دوم

در اکثر کشورهای دنیا، متقاضیان شغل معلمی بایستی شرایط احراز معلمی را بر اساس استانداردهای تعیین شده به دست آورند (آپل، ۱۹۹۹، ص ۲۵) تا بتوانند وظیفه خود را که همانا آموزش دانش‌آموزان است، به طور اثربخش انجام دهند. اما در کشور ما به جز وجود چند شرط کلی (از جمله شرایط احراز)، هیچ استاندارد مشخصی برای انتخاب معلمان وجود ندارد.

### مسئله سوم

یکی از اهداف استانداردسازی معلمان، ایجاد بازخورد برای طراحی برنامه‌های آموزشی مؤثر برای معلمان است (سعید و محمود، ۲۰۰۲، ص ۱۹۲). متأسفانه از آنجا که استانداردهایی برای سنجش صلاحیت معلمان وجود ندارد، برنامه‌های آموزشی مؤثری برای ارتقاء سطح دانش و آگاهی آنها طراحی و اجرا نشده و در حال حاضر نیز نمی‌شود و برنامه‌های موجود بر حسب احساس ضرورت در حوزه‌های ستادی پیشنهاد و اجرا می‌گردد نه بر اساس نیاز و شرایط زمان.

### مسئله چهارم

یکی دیگر از اهداف سنجش صلاحیت معلمان، یافتن سطح شایستگی‌ها و آموزش معلمان در زمینه‌هایی است که خلاء وجود دارد (سعدی و محمود، ۲۰۰۲، ص ۱۹۲). به علت فقدان این استانداردها و عدم انجام آزمون‌های شغلی بر اساس استانداردها، خلاءهای دانشی و رفتاری معلمان نامشخص است و حتی خود معلمان نیز آگاهی کافی از این خلاء ندارند.

### مسئله پنجم

در بیشتر کشورها، برنامه اعطای گواهینامه مجدد به معلمان وجود دارد (که تحت عنوان گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای آمده است). لذا بایستی معلمان دارای گواهینامه، هر چند سال یک بار گواهینامه خود را با انجام آزمون‌های استاندارد تمدید و تکمیل کنند (آپل، ۱۹۹۹، ص ۲۵) که این موضوع نیز به علت فقدان استاندارد مشخص و عدم مطالعات و استخراج استانداردهای مدون بومی، تطبیقی، و اقتباسی در کشور ما صورت نگرفته است. حرکتی که به زعم برخی محققان و صاحب‌نظران حتی در حالت خوشبینانه آن حدود ۳ دهه تأخیر داشته است.

### صلاحیت‌های حرفه‌ای و علمی معلمان

یکی از پایه‌های مهم همه نظام‌های تربیتی معلم است و تدارک برنامه‌های وسیع برای جذب، نگهداری، و بالندگی معلمان مبدل به راهبردی بنیادی در اکثر ممالک پیشرفته گردیده است. در حقیقت وظایف و نقش‌های معلمان، با اندکی مسامحه در اکثر کشورهای جهان یکسان است. معمولاً از معلم انتظار می‌رود که دارای صلاحیت‌های علمی و فنی معینی باشد، بر محتوای درسی تسلط کامل داشته و از روش‌ها و فنون مناسبی برای تدریس دروس استفاده کند و در تمامی امور، علاوه بر آموزش، الگوی مناسبی برای تربیت کودکان و نوجوانان باشد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۷۹، ص ۲۲-۲۳).

علی‌رغم توافق نسبی در خصوص نقش و وظایف معلم در کشورهای مختلف، از آنجا که کشورها از لحاظ درآمد ملی و سطح پیشرفت اقتصادی و درآمد سرانه با یکدیگر تفاوت دارند، استانداردهای مورد نظر نیز در کشورهای مختلف متفاوت است. با وجود این بررسی و مقایسه وضعیت نظام‌های آموزشی مختلف در خصوص معلمان، می‌توان به استانداردهای نسبی دست یافت. بررسی مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در این خصوص نشان می‌دهد که سه محور اساسی در استانداردهای معینی برای معلمان وجود دارد:

۱. حقوق مناسبی که معلمان در دوره‌های آموزش ابتدایی، دوره راهنمایی تحصیلی، و متوسطه باید دریافت کنند.
۲. میزان تحصیلاتی که معلمان دوره‌های ابتدایی، دوره راهنمایی تحصیلی و متوسطه باید دارا باشند.
۳. مدت زمانی که معلمان در دوره‌های مختلف ابتدایی، راهنمایی، و متوسطه باید در مدرسه حاضر باشند (مدت کار).
- علاوه بر این، هر کشوری بر اساس یافته‌های علمی و نیز معیارهای ارزشی حاکم بر جامعه خود، شایستگی‌های معینی را برای معلمان معین کرده است که به عنوان یک استاندارد مدنظر قرار می‌گیرد.
۴. شایستگی‌های مختلفی که معلمان باید دارا باشند صلاحیت حرفه‌ای آنها را رقم



می‌زند و شامل سه مقوله مهم و اساسی (یعنی عملکرد، دانش و رفتار) است (فتاحی و اجارگاه، ۱۳۷۹، ص ۳۳-۳۴).

### استانداردها به عنوان ابزارهای نظام آموزشی

در پاسخ به این سؤال که چرا استانداردها بعنوان ابزار نظام آموزشی مؤثر و کارآمد، مهم هستند، باید تأکید کرد که نظام آموزشی مؤثر و کارآمد انتظارات روشنی را مطرح و برای دستیابی به نیازها و درک اینکه چه چیزی ضرورت دارد، کمک می‌کنند که نهایتاً این امر منجر به بهبود عملکرد نظام آموزشی می‌شود (هاریس و کار، ۱۹۹۶، ص ۳).

همچنین مقوله اثربخشی نظام آموزشی، موضوعی فرّار است که در کارکرد نهان و آشکار نظام آموزشی مورد توجه قرار می‌گیرد. برخی پژوهشگران اثربخشی یکی از ارکان اصلی نظام آموزشی و (معلم) را در موفقیت دانش‌آموزان خلاصه می‌کنند و برخی دیگر بر رتبه‌های عالی عملکرد سرپرستان و مدیران واحدهای آموزشی متمرکز می‌شوند و برخی دیگر نیز بر اظهار نظرهای دانش‌آموزان، مدیران، و افراد ذینفع تکیه دارند (استرانگ، ۲۰۰۲، ص ۱).

برای سنجش اثربخشی معلمان مفاهیم و اصطلاحات متعددی در متون مدیریت آموزشی وجود دارد که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. استانداردسازی معلمان:

& Mcneil (2001) & Carr Castillo (2002) & Harris (1996) & Magdaleno(2002) & Desart(2002) & Strong (2001) & Silver (20011) & Perini(2001)(1996)

۲. سبد ویژگی‌ها (یا نیم رخ) معلمان (دولتیل، ۱۹۹۴، ص ۲۲): Portfol Doolittle (1994)

۳. ارزیابی معلمان: Teachers evaluation painter 2000 (پینتر، ۲۰۰۰).

۴. صلاحیت معلمان: competencies applec(1996) & Saeed & mahmood(2002)teachers

۵. کیفیت معلمان مؤثر (استرانگ، ۲۰۰۲).

همه این واژه‌ها و اصطلاحات و تکرار آن در مطالعات مختلف بیانگر اهمیت این

موضوع در نظام آموزشی کشورهای مختلف است. از آنجا که نظام آموزشی یکی از ارکان اساسی برنامه‌های توسعه در هر جامعه به شمار می‌رود و معلم محور اصلی این رکن را تشکیل می‌دهد، بایستی نسبت به اصلاح این نظام و عنصر محوری آن یعنی معلم اقدام جدی و اساسی به عمل آید. گام اولیه برای تقویت و بهبود نیز در این راستا تدوین استانداردهای مختلف نظام آموزشی، به ویژه استانداردهای مبتنی بر عملکرد معلمان است و از آنجا که دانش‌آموزان پیش دبستانی و دوره ابتدایی ویژگی‌های رفتاری خاص و متفاوت دارند و محیط جدیدی غیر از خانواده را برای اولین بار تجربه می‌کنند، بایستی در تدوین استانداردها از این دوره آغاز کرد و در انتخاب معلمان آنها با دقت و ظرافت خاصی عمل نمود تا بتوان استانداردهای رفتاری و عملکردی مناسب را منطبق با ویژگی‌های این دانش‌آموزان طراحی کرد و به مورد اجرا گذاشت.

#### مروری بر منابع و مدل‌های مفهومی استانداردسازی معلمان

تحقیقات صورت گرفته در کشورهای پیشرو نشان می‌دهد که مدل‌ها و متغیرهای مختلفی برای سنجش توانایی‌ها و ویژگی‌های معلمان از طریق استانداردها وجود دارد که در این مجال به چند مدل مفهومی اشاره می‌گردد، مهم‌ترین این مدل‌ها عبارتند از:

۱. مدل دپارتمان آموزشی کلرادو و (Colorado Dep of education)
۲. مدل TQM دمینگ و مدل کروزبی (Deming and Crosby)
۳. مدل سبک‌های آموزشی معلم فرهاد آنالویی (Farhad Analoui)
۴. مدل ارزیابی صلاحیت‌های سرزمین اونتاریو، کانادا
۵. مدل ووبلز ولوی (Wubbels & Levy)
۶. مدل پرتفولیوی (نیمرخ) معلم پیتر دولیتل (Doolittle)
۷. مدل پرتفولیوی معلم US home page
۸. مدل صلاحیت‌های معلم هوستن (Houston)

## استانداردها چگونه به دست می آیند؟

پاسخ به این سؤال هم مشکل و هم بسیار کلیدی است. مشکل است، زیرا روش منحصر به فردی برای تعیین استانداردها وجود ندارد و کلیدی است زیرا در این فرآیند به موارد متعدد و منابع گوناگونی به عنوان منابع تعیین کننده استانداردها استناد می شود. اساساً استانداردها می تواند حداقل به یکی از طرق زیر به دست آید:

۱. بررسی وضعیت کشورهای مختلف جهان. خصوصاً کشورهای موفق و پیشرو از لحاظ آموزش و پرورش و محاسبه میانگین ها و متوسط ها. به طور مثال، محاسبه نسبت دانش آموز به معلم در کشورهای پیشرفته و استفاده از آن به عنوان یک استاندارد یا معیار مطلوب.

۲. سطح حداقل رضایت. این شاخص اشاره می کند که در چه مواردی کمیت ها و کیفیت ها سطح حداقل رضایت را تأمین می کند. این امر به ویژه در مورد استانداردهای کالبدی یا فیزیکی مصداق بیشتری دارد و اندازه تغییرپذیری آن در کشورهای مختلف بسیار اندک است.

۳. یافته های علمی. این شاخص به یافته های علمی در خصوص استانداردها اشاره می کند. به طور مثال، استاندارد ویژگی های مطلوب معلمان، مدیران، روش تدریس و مانند آن تا حد زیادی تابع اثربخشی این معیارها در بوته عمل است که اساساً از طریق پژوهش ها و آراء اندیشمندان و صاحب نظران استخراج می شود.

۴. مذاکره، مشورت، و توافق رایج ترین روش رای تعیین استانداردها، که در بسیاری از کشورهای جهان اعمال می شود، تعیین استانداردها از طریق مشورت و مذاکره است. در اینجا از طریق فرایند مشارکتی یا مشورتی و ایجاد توافق، استانداردها تدوین می گردد. هنگامی که استانداردها تدوین شد و فرآیند بهسازی و نوسازی در مورد آنها اعمال گردید، برای اجرا به مدارس کشور ابلاغ می شود. معمولاً استانداردها توسط مجامع بین المللی هر ۳ - ۱۰ سال یک بار مورد تجدیدنظر و نوسازی قرار می گیرند.

مهم ترین علل تدوین استانداردها را می توان به شرح زیر برشمرد:

۱. فراهم کردن تصویری مطلوب در خصوص هر یک از ارکان آموزشی و حرکت به

سمت آن.

۲. فراهم کردن معیاری برای ارزشیابی از عملکردهای آموزشی و پژوهشی.
۳. توسعه و بهبود روزافزون کیفیت فعالیت‌های معلمان به‌عنوان طلایه‌داران امر آموزش.
۴. مشخص کردن عوامل مخل در تعلیم و تربیت (خواه در درونداد، خواه در فرآیند، و خواه در برونداد) و اتخاذ تدابیر روشن جهت برطرف کردن آنها مطابق نیازهای روز.
۵. ایجاد وحدت رویه در فعالیت‌های مختلف تعلیم و تربیت.

### خلاصه و نتیجه‌گیری

در تحلیل نسبت میان مقوله استاندارد و عنایت به آن در مباحث منابع انسانی و بویژه طرح مسئله در حوزه تعلیم و تربیت با توجه به تحولات جهانی موجود و شکاف عظیمی که در عصر انفورماتیک و دنیای مجازی در حال روی دادن است با آنچه به عنوان استاندارد منابع انسانی مطرح است لازم است به چند مسئله دقت شود، اولاً توجه به کیفیت کار معلم و دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت امروزه در رأس امور مربوط به بهبود آموزش قرار دارد و معلم باید علاوه بر اینکه از بهترین و شاخص‌ترین افراد باشد از بهترین آموزش‌ها و آمادگی‌ها و توانمندی‌ها و اصطلاحاً استانداردهای مطلوب برخوردار باشد. روزگاری افلاطون می‌گفت «فرزندان خود را به دست بهترین افراد تربیت کنید؛ زیرا تربیت، تربیت می‌زاید و آنها را به دست کلفت نسپارید زیرا کلفت، کلفت تربیت می‌کند» (شکوهی، ۱۳۷۲) ثانیاً امروزه امر تربیت و مقوله تدریس مؤثر به عنوان عنصری حیاتی موفقیت مدارس مورد توجه قرار گرفته است و اعتقاد بر این است که این معلمان هستند که مدارس خوب را می‌سازند. مطالعات اخیر و مورد اشاره در مقاله این مسئله را نشان می‌دهد که کیفیت تدریس معلم مهم‌ترین عامل اثربخش در یادگیری دانش‌آموز است. اما به راستی غرض از کیفیت چیست؟ و چگونه می‌توان کیفیت و اثربخشی معلمان را بهبود بخشید و به درستی ارزیابی کرد؟ آیا برای صدور مدرک و مجوز معلمی به استانداردها نیاز داریم و اگر سطح قابل تأملی از استانداردهای

(رفتاری، دانشی، عملکردی) موجود است، وقت آن نرسیده است که استانداردهای بهتری را طراحی و ابزار سنجش آنها را تهیه و سپس به آزمون بگذاریم تا شایستگی های معلمان را بر مبنای پیشرفت و موفقیت معقول در امر تدریس و رفتار و عملکرد بسنجیم و معلمان ناکارآمد را شناسایی و به آنها کمک کنیم و معلمان شایسته و کارآمد را برای مدارس مناطق نیمه برخوردار و محروم با رعایت مسائل تأمین، تجهیز، و تضمین گسیل داریم؟ آیا وقت آن نرسیده است که صدور مدرک معلمی به شیوه های متعارف سنتی و نیمه سنتی ناکافی تلقی گردد و شرایط دیگری مد نظر قرار گیرد؟ امروزه در بحث استاندارد منابع انسانی، بویژه معلمان، از معیارها و شاخص ها نام برده می شود و از معلمان تحت عنوان یادگیرندگان همیشگی یاد می شود (کاروتل، ۱۳۸۱، ص ۹) و بالاخره در مقوله استانداردسازی معلمان عقیده بر این است که معلمان اعضای تمام وقت انجمن های فراگیری هستند که روزبه روز باید به سمت کیفی تر شدن حرکت کنند. این مهم زمانی میسر است که عزمی بلند و گام هایی فراتر از وضع موجود با سه افق باز، روشن، و دور برداشته شود که سرآغاز آن مطالعات نظری، تطبیقی، و طرح مسئله است که مؤلف در حد بضاعت، در عرضه آنها کوشیده است.

## مآخذ

- پستمن، نیل (۱۳۷۶). زندگی در عیش مردن در خوشی. ترجمه جواد طباطبایی. تهران: سروش.
- رونق، یوسف (۱۳۸۰). مطالعه کار و استاندارد شغل. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۷۳). "اصول و مبانی آموزش و پرورش". درسنامه دانشکده علوم تربیتی. دانشگاه تهران.
- حسین حنیفر، "استانداردسازی منابع انسانی در آموزش و پرورش عامل بهره وری"، نشریه همبستگی، بخش فرهنگی، شهریور ماه ۱۳۸۱، صفحه ۶.
- فتحی و اجارگاه، کوروش (۱۳۷۹). مدرسه استاندارد. تهران: انتشارات فاخر.
- فصلنامه از دیگران (۱۳۸۱). "نیاز به اصلاحات آموزشی". اخبار جهانی آموزش. سال سوم، شماره ۳. ص ۵۷

کارول، تل (۲۰۰۰). "تضمین‌کار معلم". ترجمه طیبه امام جمعه کاشان. نشریه تکنولوژی آموزشی. شماره ۴. ص ۸-۹.

یگانه، مهرداد (۱۳۷۹). *استاندارد و استاندارد کردن*. تهران: مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.

Apple, M.w(1999). *Teacher Assessment Ignores Social Justice*. Education Digest. P25.

Carol Tell(2002)"Ensuring Teacher Quality". *Fostering High performance of Respectability*. Infobief. ASCD. PP. 1-12.

Castillo- of Desavt-Magdalono(2002). "Standardization of Standaftr-Based-Instruction". available: www. airs. brown. Eduzooz P.L,2.

Doolittle, peter(1994) *Teacher Portfoltio Assessment*. ERIC. P. 22.

Harris of carr(1996). *How to use standards in the class room*. The Center for Curriculum Renewal.P.3.

Painter, Suzan(2000)"Principals effecacy beliefs about teacher evaluations". *Journal of Educational Adiministration*. Vol.38, no 4.

Saeed. M.of Mahmood, K.(2002)"Assessing competency of Pakistan primary school teachers in mathematics, science, and pedagogy. *The international Journal of Education Management*. Vol,16. no 4, P. 192.

Strong, James(2002). *Qualities of effective teacher*. ASCD. p.1.

Strong and Silver of Pervini(2002). *Feaching what Matters Most standard and Strategies for vaising student Achievement*. ASCD.